اخبار

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ اعلام کرد

نظارت شبانه روزی پلیس بر فعالیت مجرمان سابقه‌دار پس از زندان



رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از نظارت بر فعالیت مجرمان سابقه دار خبر داد و گفت: مجرمان سابقه‌دار بعد از آزادی از زندان، تا سه سال تحت نظارت مستقیم و غیرمستقیم شبانه روزی پلیس قرار دارند.

سرهنگ اصغر خدایی در گفت‌وگو با ایسنا، در توضیح بیشتر گفت: قاضی در برخی موارد برای برخی محکومان استفاده از پابند الکترونیکی را حکم می دهد که این مسئله به پلیس کمک می‌کند تا بر عملکرد این افراد نظارت مستقیمی داشته باشد.

وی افزود: در واقع ما می‌توانیم در هر لحظه موقعیت پابند را چک کنیم و متوجه شویم که فرد سابقه دار کجاست و آیا به جرائمی که اخیرا اتفاق افتاده ربطی دارد یا خیر؟.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ ادامه داد: علاوه بر این نظارت فیزیکی و حضوری نیز بر زندگی این افراد وجود دارد. یعنی مجرمان سابقه دار باید ماهیانه به پلیس مراجعه کند و گزارشی از زندگی ماهیانه خود ارائه کنند و همکاران ما نیز به محل کار این افراد مراجعه می کنند تا مطمئن شوند که فرد هر روز سرکار می‌رود و درآمد آن از کجا تامین می‌شود.

سرهنگ خدایی با تأکید بر اینکه روند نظارت پلیس بر فعالیت مجرمان سابقه دار تا سه سال ادامه دارد تا ما مطمئن شویم که فرد از چرخه جرم خارج شده، جرمی مرتکب نمی‌شود، حسن نیتش ثابت شده و به زندگی عادی بازگشته است، ادامه داد: پس از این اطمینان این چرخه نظارتی تمام می‌شود.

وی افزود: در واقع این افراد باید شغلی پیدا کنند، صاحب کارشان آنها را تائید کند و میزان درآمدشان از همان شغل مشخص باشد تا مطمئن شویم از چرخه جرم خارج شده‌اند.

قوه‌قضاییه:

کیفرخواست کواکبیان و سایت ایران ۲۴ صادر شد

قوه قضاییه اعلام کرد: در پی مصاحبه مصطفی کواکبیان با سایت ایران ۲۴ و نقض رأی دادگاه مبنی بر ۲ سال منع فعالیت رسانه‌ای اعم از مصاحبه با رادیو و تلویزیون و انتشار هرگونه مطلب در رسانه‌ها، قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست این فعال سیاسی همچنین سایت خبری مورد اشاره، به اتهام نشر مطالب خلاف قانون اساسی بند ۱۲ ماده ۶ قانون مطبوعات صادر شد.

به گزارش ایرنا از مرکز رسانه قوه قضاییه، مهر سال گذشته مصطفی کواکبیان فعال سیاسی و نماینده پیشین مجلس در یک برنامه تلویزیونی ادعایی مطرح کرده بود که برای ارائه مدارک و مستندات به مرجع قضایی احضار شد که به دلیل عدم ارائه مدارک و مستندات معتبر در مورد اظهاراتش، کیفرخواست از سوی دادسرا صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه ارجاع شد.

در همان زمان این فعال سیاسی و نماینده سابق مجلس، مجدد با حضور در یک برنامه تلویزیون اینترنتی وابسته به یکی از موسسات مطبوعاتی کشور، ادعاهای قبلی خود را تکرار کرد که در رابطه با این موضوع نیز برای این رسانه و فعال سیاسی پرونده قضایی تشکیل شد.

پس از رسیدگی به پرونده در دادگاه، حکم مقتضی صادر شد.

طبق حکم صادره نماینده سابق مجلس به ۱۴ ماه حبس محکوم شد که این حکم به مدت چهار سال به صورت تعلیقی بود.

این نماینده سابق مجلس همچنین به ۲ سال منع فعالیت رسانه‌ای اعم از مصاحبه با رادیو و تلویزیون و انتشار هرگونه مطلب در رسانه ها، پایگاه‌های خبری و ... محکوم شده بود که با وجود این حکم اقدام به انجام مصاحبه با سایت خبر ایران ۲۴ و نقض حکم دادگاه کرده است.

بر همین اساس به دلیل نقض حکم دادگاه از سوی کواکبیان، مطابق قانون حکم محکومیت وی در مورد منع فعالیت رسانه‌ای به میزان یک سوم از کل مدت محکومیت، افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر محکومیت منع فعالیت رسانه‌ای کواکبیان از ۲ سال به ۲ سال و ۸ ماه افزایش خواهد یافت.

چرا نوکیسگان ایرانی به دنبال هویت‌های وارداتی می‌دوند؟

جشن عاریه‌ای!

وقتی ثروت از دل رانت و سفته‌بازی بیرون می‌آید و ریشه در کار و تولید ندارد، صاحبش برای مشروع جلوه دادن جایگاهش به نان روزانه‌ای از نمایش پناه می‌برد؛ نمایشی که خرجش را کیسه می‌کند و ریشه‌اش بیگانه است. برپایی جشن‌های هالووین و کریسمس در خانه‌های نوکیسگان ایرانی، ذائقه‌ای تازه نیست؛ تلاشی است ناگزیر برای فرار از شرم ریشه‌ها و اثبات تعلق به باشگاهی که هرگز در آن‌جا جایی ندارد. این یادداشت به کنکاش در سازوکار این فرار می‌پردازد؛ فراری که هر بار نمایشی‌تر و جیب‌خالی‌تر از پیش بر می‌گردد.



رواج مناسکی چون هالووین در میان‌بخش‌هایی از طبقات مرفه شهری در ایران، پیش از آنکه دلیلی فرهنگی داشته باشد، بازتابی آشکار از تحولات ساختاری در اقتصاد کلان و ظهور طبقه‌ای است که ثروت خود را از مسیرهای غیرمتعارف به دست آورده است

در نخستین روزهای پاییز، کوچه‌ها و خیابان‌های محله‌های مرفه شمال شهر تهران، گویی به تقویمی دیگر تعلق دارند. پشت شیشه کافه‌های لوکس و ویترین فروشگاه‌های برند، کدوهای تراش‌خورده و چراغ‌های نارنجی رنگ، نوید برگزاری آیینی را می‌دهند که فرسنگ‌ها با بوم‌ساختار زیست ایرانی فاصله دارد. چند ماه بعد، با فرا رسیدن زمستان، همین فضاها میزبان درختان صنوبر مصنوعی و نمادهای پرزرق‌وبرق کریسمس می‌شوند. این تصاویر که با شتابی فزاینده در شبکه‌های اجتماعی بازنشر می‌شوند، در نگاه نخست شاید تنها نشانه‌ای از تغییر سلیقه یا میل به تنوع‌طلبی فردی به نظر برسند؛ اما اگر نگاهی ژرف‌تر به لایه‌های زیرین ساختار طبقاتی جامعه بیندازیم، درمی‌یابیم که این مناسک عاریه‌ای، کارکردی بسیار فراتر از یک سرگرمی ساده دارند و بازتاب‌دهنده بحرانی عمیق در مناسبات اقتصادی و هویت فرهنگی جامعه هستند.

به گزارش فراز، رفتار مصرفی انسان در هیچ نقطه‌ای از تاریخ و در هیچ جامعه‌ای، صرفاً پاسخی ساده به نیازهای زیستی نبوده است. کالاها، پوشاک، آیین‌ها و سبک زندگی، همگی در میدان اجتماعی به نشانه‌هایی رمزگذاری‌شده تبدیل می‌شوند که افراد از طریق آنها تعلق طبقاتی خود را اعلام می‌کنند و میان خود و دیگران دیوار می‌کشند. رواج مناسکی، چون هالووین، ولنتاین یا جشن‌های کریسمس در میان بخش‌هایی از طبقات مرفه شهری در ایران، پیش از آنکه دلیلی فرهنگی داشته باشد، بازتابی آشکار از تحولات ساختاری در اقتصاد کلان و ظهور طبقه‌ای است که ثروت خود را از مسیرهای غیرمتعارف به دست آورده است.

برای فهم دقیق این پدیده، باید به سراغ اقتصاد سیاسی انباشت ثروت در ایران رفت. در جامعه‌ای که بخش عمده‌ای از ثروت‌های کلان و ناگهانی، نه حاصل فرآیندهای مولد، کارآفرینی صنعتی، نوآوری یا ارزش‌آفرینی در زنجیره تولید ملی، بلکه زاییده مناسبات رانتی، سوداگری در بازار مسکن، دلارهای بادآورده و سفته‌بازی‌های مالی است، حاملان این ثروت با یک بحران بنیادین به نام بحران مشروعیت مواجه می‌شوند. ثروتی که ریشه در کار مولد نداشته باشد، از پشتوانه تاریخی و احترام اجتماعی برخوردار نیست. به همین دلیل، نوکیسگانی که به سرعت به سرمایه کلان اقتصادی دست یافته‌اند، احساس می‌کنند در نگاه عمومی جامعه فاقد ریشه‌های اصیل و پایگاه معتبر هستند. اینجاست که نیاز مبرم به پروژه‌ای برای مشروعیت‌بخشی و نمایش قدرت آغاز می‌شود.

تورستن وبلن در کتاب کلاسیک خود با عنوان نظریه طبقه تن‌آسا که با ترجمه فرهنگ ارشاد از سوی نشر نی منتشر شده است، به درخشانی نشان می‌دهد که بورژوازی نوظهور چگونه برای تثبیت موقعیت خود به مصرف متظاهرانه پناه می‌برد. از منظر وبلن، هنگامی که ثروت به تنهایی برای کسب اعتبار اجتماعی کافی نباشد، طبقه مرفه به نمایش پرهزینه و نمایشی کالاهایی روی می‌آورد که دسترسی به آنها برای طبقات فرودست و حتی متوسط جامعه ناممکن است. برپایی مهمانی‌های پرهزینه هالووین یا خرید اقلام گران‌قیمت تزیینی کریسمس در آپارتمان‌های چندصدمتری، دقیقاً مصداق بارز همین مصرف متظاهرانه است. این رفتارها کالا یا خدمتی کاربردی ارائه نمی‌دهند، بلکه کارکرد اصلی آنها ارسال پیامی صریح به جامعه است مبنی بر اینکه دارنده این سبک زندگی، از نظر مالی و منزلت در طبقه‌ای جداگانه قرار دارد.

اما چرا این نمایش حتماً باید از طریق نمادهای وارداتی و غربی انجام شود؟ پاسخ این پرسش را باید در نسبت میان سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی جست‌وجو کرد. پیر بوردیو در شاهکار جامعه‌شناختی خود با عنوان تمایز که با ترجمه حسن چاوشیان از سوی نشر ثالث به چاپ رسیده است، استدلال می‌کند که طبقات بالادست جامعه برای حفظ و بازتولید برتری خود، تنها به پول و سرمایه اقتصادی نیاز ندارند، بلکه به نظام پیچیده‌ای از سرمایه فرهنگی نیاز دارند که شامل دانش، سلیقه، آداب و ریشه‌های تاریخی اصیل است. سرمایه فرهنگی کالایی نیست که بتوان آن را یک‌شبه خرید؛ این سرمایه حاصل زیست طولانی‌مدت، تربیت فکری و پیوند عمیق با میراث فرهنگی جامعه است.

نوکیسگی ایرانی در این نقطه دچار یک تراژدی ساختاری می‌شود. این طبقه به لطف جهش‌های قیمتی و رانت‌های اقتصادی، در کوتاه‌ترین زمان ممکن انباشت عظیم سرمایه اقتصادی را تجربه کرده، اما از دستیابی به سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده محروم مانده است. این خلأ بزرگ، طبقه نوکیسه را دچار نوعی اضطراب منزلت می‌کند. برای جبران این حقارت پنهان و فرار از ریشه‌هایی که آنها را به طبقات زحمت‌کش و فرودست پیوند می‌دهد، راهی جز چنگ زدن به ظواهر سطحی مدرنیته مصرفی باقی نمی‌ماند. از منظر این طبقه، سنت‌ها، فرهنگ بومی و ریشه‌های تاریخی ناخودآگاه با محرومیت، بحران و فرودستی اقتصادی گره خورده‌اند. به همین دلیل، گسست از این ریشه‌ها به پیش‌شرط روانی برای ورود به باشگاه فرادستان تبدیل می‌شود.

این پدیده دقیقاً همان چیزی است که فرانتس فانون در تحلیل‌های پسااستعماری خود از آن با عنوان تقلید کورکورانه از فرهنگ متروپل برای گریز از هویت پیرامونی یاد می‌کند. فرد خودباخته یا طبقه‌ای که از هویت بومی خود شرمسار است، تلاش می‌کند با تقلید اغراق‌آمیز از ظواهر زندگی غربی، فاصله خود را با واقعیت‌های تلخ جامعه پیرامونی‌اش به نمایش بگذارد. در این فرایند، مناسکی که در غرب ریشه‌های فولکلوریک، مذهبی یا تاریخی مشخصی دارند، از درون تهی شده و به پوسته‌ای توخالی بدل می‌شوند که هیچ معنایی جز خودنمایی و فخرفروشی ندارد. کدوهای هالووین و درختان کریسمس در خانه‌های نوکیسگان، نه نشانه‌ای از تساهل فرهنگی، بلکه ابزاری برای خط‌کشی‌های خشن طبقاتی هستند.

این نمایش پرزرق‌وبرق، در نهایت کارکردی معکوس به دنبال دارد. دیوارکشی‌های نمادینی که نوکیسگان میان رفاه ویترینی خود و واقعیت سنگین جامعه ترسیم می‌کنند، بیش از آنکه نشان ۱ قدرت آنها باشد، ترس عمیق و حقارت درونی آنها را عیان می‌کند. قشری که ناچار است برای اثبات وجود خود به آیین‌های عاریه‌ای پناه ببرد، در واقع با صدای بلند اعتراف می‌کند که در درون مرزهای هویت خویش، از تهی‌بودن رنج می‌برد. در نهایت، جشن‌های وارداتی نوکیسگان نه گواهی بر مدرن بودن، بلکه سند گویایی بر بحران هویت و انباشت نامولدی است که جامعه را از درون تهی می‌کند.ص

کاهش ۲۰۰ میلیون مترمکعبی مصرف آب و هدررفت در لوله‌های فرسوده

سرپوش آماری بر عقب‌نشینی اجباری جامعه از سفره‌های خالی



استاند مدیران آب کشور به کاهش ۳.۲ درصدی مصرف آب در سال ۱۴۰۴ و افت نزدیک به ۲۰۰ میلیون مترمکعبی تقاضا، در شرایطی که شبکه توزیع همچنان درگیر لوله‌های فرسوده و هدررفت عظیم منابع است، تلاشی در قالب سرپوش آماری برای نمادین کردن یک پیروزی ساختگی محسوب می‌شود. واقعیت عریان پشت این ارقام نشان می‌دهد افت مصرف نه حاصل تدبیر کلان و نوسازی زیرساخت‌ها، بلکه بازتاب مستقیم تنگنای دسترسی، فروپاشی رفاه خانوارها و عقب‌نشینی اجباری شهروندان در برابر بحرانی است که سیاست‌گذار برای سرپوش گذاشتن بر ناکارآمدی خود، همچنان بار سنگین آن را روی دوش جامعه می‌اندازد.

به گزارش رکنا، آمارها از کاهش ۳.۲ درصدی مصرف آب کشور در سال ۱۴۰۴ حکایت دارند؛ کاهشی که نزدیک به ۲۰۰ میلیون مترمکعب از تقاضای آب را کمتر کرده است. در نگاه نخست، این رقم می‌تواند بازتابی از همراهی شهروندان با بحران فراگیر بی‌آبی باشد، اما در ساختار بحران‌زده منابع آبی ایران، این عدد بیش از آنکه نشانه‌ای از بهبود باشد، سوالی بنیادین را پیش روی سیاست‌گذار می‌گذارد و آن اینکه آیا جامعه کمتر مصرف کرده است یا زیر پوست شهرهای ما، دسترسی به آب روزبه‌روز محدودتر و زندگی روزمره دشوارتر می‌شود؟

بررسی داده‌های شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور نشان می‌دهد حجم مصرف از حدود ۶ میلیارد و ۲۲۳ میلیون مترمکعب در سال ۱۴۰۳ به ۶ میلیارد و ۲۴ میلیون مترمکعب در سال ۱۴۰۴ رسیده است. در این میان، تهران با افت نزدیک به ۱۳۴ میلیون مترمکعبی، معادل بیش از ۱۱ درصد، سهم اصلی را در این کاهش بر عهده داشته است. در استان‌هایی مانند آذربایجان شرقی و شیراز نیز روندی مشابه گزارش شده است؛ اما پشت این ارقام ملی، واقعیت نگران‌کننده‌ای پنهان است که تحلیلگران اجتماعی و اقتصادی بر آن انگشت می‌گذارند.

کاهش مصرف؛ آدرس غلط در بحران آب

اشتباه راهبردی در تحلیل این آمارها، یکسان دانستن کاهش مصرف با بهبود وضعیت منابع آبی است. مصرف کمتر، فشار مقطعی بر شبکه توزیع را کاهش می‌دهد، اما معنای آن پر شدن مخزن سدها، احیای سفره‌های زیرزمینی یا جبران کسری مهلک آبخوان‌ها نیست.

وقتی نرخ برداشت از منابع زیرزمینی همچنان فراتر از حد تجدیدپذیری است، کاهش مصرف خانوارها تنها به معنای خریدن زمان اندکی برای سیستمی است که در مسیر فروپاشی قرار دارد. از منظر جامعه‌شناختی، آب کالایی حیاتی است و کاهش مصرف زمانی به معنای موفقیت است که از کانال ارتقای فناوری، بهینه‌سازی تجهیزات و آگاهی عمومی بگذرد؛ نه اینکه نتیجه تحمیل فشار اقتصادی، قطعی‌های مکرر یا تنگنای دسترسی خانوارها باشد.

مسئولیت گمشده در لوله‌های فرسوده

فرهنگ‌سازی و دعوت شهروندان به صرفه‌جویی، اگرچه در شرایط تنش آبی ضرورت دارد، اما نباید به ابزاری برای فرافکنی مسئولیت نهادهای متولی تبدیل شود. بار اصلی بحران آب نمی‌تواند صرفاً روی دوش جامعه‌ای قرار گیرد که خود قربانی سوءمدیریت کلان است.

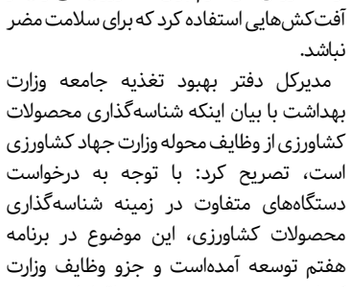
تا زمانی که شبکه توزیع آب شهری با فرسودگی بالا درصد قابل توجهی از منابع را هدر می‌دهد، الگوی کشت در مناطق خشک اصلاح نمی‌شود و شفافیت لازم در حکمرانی آب وجود ندارد، تقلیل دادن بحران به بستن شیرهای آب در خانه‌ها نشانی اشتباه دادن به افکار عمومی است. کاهش ۲۰۰ میلیون مترمکعبی مصرف آب، پیش از آنکه دستاوردی دولتی باشد، پیامی از سوی جامعه‌ای است که در برابر بی‌تدبیری‌ها ناچار به عقب‌نشینی شده است.

سنجه واقعی پایداری آب در ایران، حجم آب مصرف‌نشده نیست، بلکه میزان توقف روند تخلیه سفره‌های زیرزمینی و تضمین حق بنیادین شهروندان به دسترسی پایدار و عادلانه به آب است. تا زمانی که صرفه‌جویی از یک اجبار معیشتی یا توصیه فردی به سیاست فراگیر در کشاورزی، صنعت و توسعه شهری تبدیل نشود، زنگ خطر بحران آب همچنان با صدای بلندتری به صدا درخواهد آمد.

خبر

هشدار درباره اخبار جعلی آلودگی مواد غذایی

شایعات فضای مجازی تهدیدی برای الگوی مصرف



مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت ضمن تاکید بر ضرورت گسترش شناسه‌گذاری محصولات کشاورزی برای ردیابی منشاء تولید و کنترل میزان استفاده از آفت‌کش‌ها، در عین حال نسبت به انتشار اطلاعات نادرست درباره آلودگی مواد غذایی در فضای مجازی هشدار داد.

دکتر احمد اسماعیل‌زاده در گفت‌وگو با ایسنا، درباره شناسه‌گذاری محصولات کشاورزی اظهار کرد: با توجه به استفاده از آفت‌کش‌ها برای کشت و تولید محصولات کشاورزی، ضرورت شناسه‌گذاری این محصولات بر هیچ‌کس پوشیده نیست. سالیان سال است وزارت بهداشت از متقاضیان شناسه‌گذاری محصولات کشاورزی به‌شمار می‌رود تا بتوان ردیابی محصولات کشاورزی را انجام داد.

او درباره مزایایی شناسه‌گذاری محصولات کشاورزی توضیح داد: مزایای شناسه‌گذاری فقط به ردیابی محصولات محدود نمی‌شود، بلکه با ارائه آموزش‌های لازم برای کشاورزان می‌توان از آفت‌کش‌هایی استفاده کرد که برای سلامت مضر نباشد.

مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت با بیان اینکه شناسه‌گذاری محصولات کشاورزی از وظایف محوله وزارت جهاد کشاورزی است، تصریح کرد: با توجه به درخواست دستگاه‌های متفاوت در زمینه شناسه‌گذاری محصولات کشاورزی، این موضوع در برنامه هفتم توسعه آمده‌است و جزو وظایف وزارت کشاورزی محسوب می‌شود. اقدامات خوبی در زمینه شناسه‌گذاری محصولات کشاورزی صورت گرفته است؛ براساس اطلاعاتی که در دست دارم، شناسه‌گذاری چند محصول را آغاز کرده‌اند. امیدوارم، شاهد گسترش شناسه‌گذاری محصولات کشاورزی باشیم تا محصولات بیشتری تحت پوشش فرایند شناسه‌گذاری قرار گیرند.

مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت ادامه داد: شناسه‌گذاری سبب می‌شود که منشا یک محصول شناسایی شود. همچنین اگر یک محصول به دلیل فقدان یا کمبود دانش یک کشاورز دارای سطح بالایی از آفت‌کش باشد، باید تحت آموزش قرار گیرد تا محصولی سالم و باکیفیت روانه بازار شود.

او درباره انتشار اطلاعات نادرست در شبکه‌های اجتماعی گفت: انتشار اطلاعات نادرست درباره موادغذایی و سموم کشاورزی بر دریافت موادغذایی اثرگذار است. گاهی‌اوقات، شاهد انتشار مطالبی در فضای مجازی هستیم که مردم را از مصرف یک ماده‌غذایی منع می‌کند. به طور مثال، اطلاعاتی درباره وجود «آرسنیک» در برنج یا نیترات در محصولاتی مانند پیاز، سیب‌زمینی و گوجه‌فرنگی منتشر می‌شود. این درحالیست که آفت‌کش و فلزات سنگین در تمام محصولات کشاورزی سراسر جهان وجود دارد و زمانی حائز اهمیت می‌شود که از حد فوقانی توصیه‌شده مراجع علمی عبور کند. عبور از حد فوقانی مراجع علمی نشان‌دهنده این است که یک محصول می‌تواند آثار سوء برای سلامت داشته‌باشد.

اسماعیل‌زاده ادامه داد: اگر نیترات، فلزات سنگین و آفت‌کش‌های یک محصول بیش از حد فوقانی مراجع علمی باشد، باید از عرضه آن محصول جلوگیری کرد. گوجه‌فرنگی و سیب‌زمینی، مقدار کمی نیترات دارند؛ موضوعی که طبیعی است. بنابراین پرهیز از اطلاعات نادرست درباره محصولات غذایی بر میزان مصرف اثرگذار است؛ در حالی که مردم باید به میزان توصیه‌شده میوه و سبزیجات مصرف کنند. مطالبی درباره آلودگی ماهی با جیوه نیز هر از گاهی مطرح می‌شود اما این مطالب نیز اشتباه است. مصرف یک یا دو مرتبه ماهی در هفته که زیر حد جیوه باشد، هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند.

مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت گفت: افرادی در جامعه حضور دارند که مردم را با انتشار اخبار نادرست فریب می‌دهند. اخبار حوزه سلامت باید از مراجع معتبر مانند وزارت بهداشت پیگیری شود. اگر یک محصول به سموم آفت‌کش، نیترات یا جیوه آلوده باشد به اطلاع مردم می‌رسد.

تامین منابع مالی و نقدینگی از مهم‌ترین چالش‌های نظام سلامت کشور است



وزیر بهداشت،درمان و آموزش پزشکی در نشست مشترک با وزیر امور اقتصادی و دارایی با اشاره به مطالبات سنگین حوزه سلامت، تامین منابع مالی پایدار و تسویه بدهی‌های زنجیره سلامت را ضرورتی فوری خواند.

به گزارش مهر، «محمدرضا ظفرقندی»، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در نشست مشترک با «سید علی مدنی زاده»، وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: در حال حاضر تامین منابع مالی و نقدینگی از مهم‌ترین چالش‌های نظام سلامت کشور به شمار می‌رود و برطرف کردن این چالش‌ها فراتر از توان یک دستگاه بوده و مستلزم هماهنگی و همکاری نزدیک میان دستگاه‌های اجرایی و تصمیم‌گیری ویژه در سطوح عالی دولت است. وزیر بهداشت با اشاره به وضعیت وصول اعتبارات قانونی حوزه سلامت تصریح کرد: منابع پیش‌بینی‌شده در قوانین بودجه، به‌ویژه درآمدهایی که قرار بود از محل واگذاری سهام تامین شود، محقق نشده است.

ظفرقندی با هشدار نسبت به طولانی‌شدن دوره وصول مطالبات از سازمان‌های بیمه‌گر که در برخی موارد به ۹ تا ۱۲ ماه رسیده است، اظهار کرد: این تاخیر طولانی، سه بخش حیاتی زنجیره سلامت شامل تامین دارو، تامین تجهیزات پزشکی و پرداخت مطالبات پیمانکاران و کارکنان به‌ویژه پرستاران را به شدت تحت تاثیر قرار داده و فشار مضاعفی را بر بیمارستان‌های دولتی تحمیل کرده است.

وی در تشریح بحران دارویی ناشی از کمبود نقدینگی افزود: در حوزه دارو حتی در مواردی که تخصیص ارز با مانعی روبه‌رو نیست، فقدان نقدینگی ناشی از وصول نشدن مطالبات شرکت‌های دارویی، توانایی آن‌ها را برای تامین ریالی ارز، واردات مواد اولیه و استمرار خطوط تولید سلب کرده و موجب شده حجم بدهی‌های حوزه دارو بیشتر شود. وزیر بهداشت پیرامون چالش‌های بخش تجهیزات پزشکی نیز اظهار کرد: تاخیر در پرداخت مطالبات موجب شده برخی مراکز درمانی و بیمارستان‌ها امکان تامین ملزومات و تجهیزات پزشکی مصرفی را نداشته باشند. ظفرقندی با تاکید بر این‌که منابع در دسترس وزارت بهداشت با رشد هزینه‌ها و توسعه خدمات همخوانی ندارد، گفت: در سال‌های اخیر هزینه‌های ارائه خدمات درمانی افزایش چشمگیری داشته و حدود ۶۷ هزار تخت بیمارستانی جدید در سراسر کشور راه‌اندازی شده که نگهداری آن‌ها نیازمند نیروی انسانی و تجهیزات گسترده است، اما منابع اعتباری متناسب با این توسعه پیش‌بینی نشده است. وزیر بهداشت با تاکید بر ضرورت بهره‌گیری از ابزارهای تخصصی وزارت امور اقتصادی و دارایی برای گره‌گشایی از اقتصاد سلامت بیان کرد: در شرایط فعلی، یکی از موثرترین راهکارها برای شکستن چرخه کمبود نقدینگی، تسویه بدهی‌ها و مطالبات متقابل میان شرکت‌های دارویی و تجهیزات پزشکی، شبکه بانکی و سازمان امور مالیاتی از طریق تهاتر زنجیره‌ای و بدون نیاز به گردش نقدینگی کامل است؛ رویکردی که در گذشته نیز تجربه موفقی در مقیاس محدود داشته و اکنون با ایجاد بستر قانونی و اجرایی می‌تواند بخش بزرگی از مطالبات را سامان دهد.

ر این نشست برخی معاونان و مدیران وزارت بهداشت و همچنین وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز حضور داشتند.

دستگیری باند کلاهبرداری با پیامک جعلی افزایش اعتبار کالابرگ



رئیس پلیس فتا تهران بزرگ، از دستگیری کلاهبرداران پیامکی کالابرگ خبر داد که بیش از ۵۴ میلیارد ریال از شهروندان سرقت کرده بودند.

باشگاه خبرنگاران جوان - سردار داود معظمی گودرزی در این باره گفت: پس از مراجعه تعدادی از شهروندان به پلیس فتا و اعلام برداشت غیرمجاز از حساب‌های بانکی یا ارسال پیامک‌های مشکوک از طریق تلفن همراه آنان، موضوع در دستور کار کارشناسان قرار گرفت.

بررسی شکایت‌ها نشان داد برخی از مالباختگان پیامک‌هایی با موضوع ثبت‌نام برای دریافت کالابرگ جدید دریافت کرده بودند و پس از ورود به لینک‌های درج‌شده در پیامک، با دسترسی غیرمجاز به تلفن همراه یا حساب بانکی خود مواجه شده بودند.

شناسایی متهمان و کشف شیوه کلاهبرداری

کارشناسان پلیس فتا با انجام تحقیقات فنی و تخصصی، متوجه شدند متهمان با سوء استفاده از اخبار مربوط به کالابرگ، پیامک‌هایی جعلی با عنوان‌هایی مانند «ثبت‌نام کالابرگ جدید»، «افزایش اعتبار کالابرگ» و «دریافت مابه‌التفاوت کالابرگ» ارسال می‌کردند.

به گفته رئیس پلیس فتا تهران بزرگ، متهمان پس از شناسایی و طی مراحل قضائی دستگیر شده و در تحقیقات به دسترسی غیرمجاز به اطلاعات و حساب‌های بانکی تعدادی از شهروندان اعتراف کردند.

سردار معظمی گودرزی اعلام کرد: متهمان در مجموع بیش از ۵۴ میلیارد ریال از شهروندان کلاهبرداری کرده‌اند. بر اساس اعترافات آنان، با این شگرد به اطلاعات بانکی و شخصی ده‌ها نفر دسترسی پیدا کرده بودند.

هشدار پلیس فتا درباره پیامک‌های جعلی

رئیس پلیس فتا تهران بزرگ از شهروندان خواست برای اطلاع از اخبار و جزئیات مربوط به کالابرگ، تنها به رسانه‌های رسمی و سامانه‌های معتبر مراجعه کنند.

وی تأکید کرد: برای دریافت کالابرگ نیازی به نصب برنامه‌های ناشناس، پرداخت وجه یا ارائه اطلاعات محرمانه بانکی نیست و شهروندان نباید رمزهای بانکی یا کدهای پیامکی خود را در اختیار افراد و سامانه‌های غیرمعتبر قرار دهند.

بنابر اعلام پلیس، شهروندان می‌توانند موارد مشکوک را از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، وب‌سایت پلیس فتا به نشانی www.policefata.ir یا شماره ۰۹۶۳۸۰ گزارش کنند.